میکروفیلم شد

۱۸۸۷۵

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

اسم کتاب: فصول اربعه
مصنف
مؤلف: محمد معصوم سمرقندی
خطی
چاپی: نستعلیق تا سطر
سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ۶۸ ورق
جزء کتب: عقاید .... شماره خصوصی
شماره عمومی: ۱۸۸۷۵ .... شماره قبض
واقف .... تاریخ وقف ۱۳۷۲
طول ۲۰/۵ .... عرض ۱۴ .... شماره صفحات

بازبین شد
۱۳۷۱ش

از زبستم در کرت آگاهی است
برادر تیغ کرمان الله الغفار است

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله واصحابه اجمعین اما بعد این مجموعه ایست در بیان عقاید بطریقه عقاید ماتریدیه واحوال اصحاب کرام رضوان الله تعالی عنهم اجمعین واحوال بعضی از تابعین وغیرهم ومسمی میشود بفصول اربعه امید که مطالعه کنندگان این مجموعه احقر عباد الله ابو العصمة محمد معصوم بابا سمرقندی را بدعای خیر یاد آورده سعی او را مشکور دانند والم خطائی یا سهوی رو داده باشد بعین اصلاح ناظر آن گردند والتوفیق من الله المنان وعلیه الاعتصام والتکلان **فصل اول در اعتقادات** اعتقاد باید نمود که اشیا ثابت است یعنی آنچه در خارج وجود دارد مثل آسمان وزمین وآدمیان و غیر اینها همه در واقع موجود اند نه آنست که اینها خواب وخیال باشند که در نظر نموده است ودر واقع نباشد وسوفسطائیه میگویند که همه موجودات که در عالم اند در واقع هیچ نیست خواب وخیال محض است واین طائفه سوفسطائیه عنادیه میگویند ۰ اعتقاد باید نمود که علم ودانش بحقایق اشیا متحقق

٢

مثلاً چنانچه دانسته ایم آدمیان در واقع آدمی اند وبعضی سوفسطائیه میگویند که اشیا تابع اعتقاد است اگر اعتقاد کرده شود که آدمی مثلا هوا است هوا خواهد شد واگر هوا را اعتقاد نمائیم که آدمیست همچنان خواهد بود واین طائفه سوفسطائیه را عندیه گویند وبعضی از سوفسطائیه میگویند که علم بثبوت وعدم ثبوت اشیا متحقق نیست نمیدانیم که اشیا وجود دارد ویا ندارد ودرین شک وتردد دارند که آیا تردد وشک داریم یا نداریم علی هذا القیاس واین طائفه سوفسطائیه را در منزل یکی از ارباب عقل که میان ایشان دوستی بود بمهمانی آمد بعد ضیافت چون متوجه منزل خود شد اسپ او را پنهان ساخته بودند طلب اسپ خود نمود نیافت با وگفتند که در واقع اسپی نبی باشد بخیالات سوار بودید باز بخیال سوار شده بروید بدانید انست که طریق دانستن وحاصل شدن علم سه نوع است یکی حواس سلیم آن پنج است گوش شنوا وچشم بینا وشامه یعنی قوتی که بسبب آن بوها بوسیله را توان دریافت وذائقه یعنی قوتی که بسبب آن مزه طعام از شیرینی وشوری وغیر آن را توان شناخت ولامسه یعنی قوتی که بسبب آن گرمی وسردی ودرستی ونرمی وغیر اینها را توان دریافت وبعضی از حکما میگویند که بر دریافت حواس اعتمادی نیست دوم عقل مثلا هرگاه از دور دودی ببینیم تعقل میکنیم که در آنجا آتش است وتسمیه میگویند

بعقل

وسب وطعن آن جماعه مینمایند والعیاذ بالله من ذلک وبالجمله در لفظ حدیث تصریح است
بآنکه روافض وخوارج فرقه ناجیه نباشند واین سخن نیز نزد اهل انصاف در غایت وضوح
وبداهت است وابن مطهر حلی در بعضی تصانیف خود گفته که باستاد نصیر الدین محمد طوسی مباحثه
نموده‌ام در تعیین کردن مراد از فرقه ناجیه رایهای ما بران قرار گرفت میبایدکه آن فرقه
جماعه باشند که مخالف جمیع فرق باشند واین نیست الا شیعه چه ایشان مخالفند
وغیر ایشان در اکثر اصول باهم متفق‌اند این است سخن ابن مطهر حلی واین سخن مردود است
اول آنکه مخالفت جمیع فرق چه لازم است میشاید که یک خصلت در آن جماعه بوده باشد که
مغفرت ایشان گردد ثانیا آنکه بر تقدیر تسلیم آنکه مخالفت لازم باشد می باید که آن فرقه
اهل سنت وجماعت باشند الا شیعه در اکثر موافق معتزله اند مخالفت ندارند الا در
چند مسایله از مسایل امامت که از جمله فروع است بخلاف اهل سنت وجماعت در بسیاری
از مسایل اصول آنچه فرق دیگر مخالفت دارند مانند مسئله رؤیت وکشف وغیر ذلک
کما لا یخفی علی من طالع کتب الکلامیه دلیل دویم آنکه فرقه ناجیه اهل سنت وجماعت‌اند
آنست که پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند که بر شما باد که متابعت سواد اعظم نمایید وحالا
حال این است که اهل سواد اعظم همه اهل سنت وجماعت اند چنانچه ماوراء النهر ومملکت روم تمام
حنفی مذهب اند وهمچنین تمام اهل هند واکثر خراسان اهل سنت وجماعت اند ودر عراق نیز
اهل سنت وجماعه بسیار بود حالا پاره موجودند ودلیل عقلی برین مطلب آنکه مثلا پادشاهی
از عالم برود واطوار او را آنچه بیشتر مردم نقل نمایند همان قبول خواهد بود واگر معدودی مخالفت

نمایند هیچکس آنرا قبول ننماید همچنین است طریق نبویه عم جماعه از اصحابه کرام عامل بوده اند و
از آن جماعه جماعت دیگر که تبع ایشان اند آن طریقه را گرفته عمل نموده اند وهمچنین تا این زمان این
روش مستمر بوده وسبب پیدا شدن مذاهب باطله آنست که در هر زمانی یک شخص اراده اشتهار
وشهرت خود نموده امری احداث کرده پاره متابعت او کردند وبهمان ترتیب آن مذهب شد
وگاه سبب آنست که شخصی در فهمیدن خود غلط کرده بسبب جهل مرکب بر همان ماند ومتنبه نشد
از جمله دلایل حقانیت اهل سنت وجماعت آنست که چهار رکن معظم بانیان حنفی است همه از
منقول سنت که اصحاب مذاهب باطله از آنجا متقاعد بوده باشند واین معنی اثری قبول این فرقه ناجیه است
دیگر آنست که این فرقه در محبت رسول علیه السلام واولاد واصحاب آنحضرت ثابت وراسخ بوده بجائی نهایتی
در راه ایشان نثار کرده اند بخلاف مذاهب دیگر که بمقتضای الخاین خائف مذهب خود را
غیر ولایت خود واهل مذاهب خود اظهار نمیتوانند کرد ودیگر آنست که از تتبع احکام شرعیه
مستفاد میشود که مبنای ملت بیضاء نبوی علیه السلام بر صراط مستقیم است که اعتدال حقیقی عبارت
از آن تواند بود وطرفین اعتدال که افراط وتفریط باشد مذموم ومردود است
آن مخصوص اهل سنت وجماعه است واهل مذاهب دیگر از حاق وسط واعتدال دور اند
این معنی را بفطرت سلیم وذهن مستقیم توان دریافت ومع هذا مدار بر توفیق وعنایت ربانیست
یقول الحق ویهدی السبیل رزقنا الله تعالی سلوک الصراط المستقیم وصلی الله
علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین وسلم تسلیما کثیرا کثیرا

بسم الله الرحمن الرحیم

	محمد	علی	فاطمه
الاسما	محمد الرسول الله	مرتضی علی	فاطمه
الالقاب	المصطفی المدنی	امیر المومنین قاتله عبد الرحمن بن ملجم	الطاهره الصدیقه
الکنیت	ابو القاسم	ابو الحسن	ام الائمه بنت محمد
الاباء	عبد الله بن عبد المطلب	ابو طالب بن عبد المطلب	خدیجه بنت خویلد
الامهات	امینه بنت وهب بن عبد مناف	فاطمه بنت اسد	[illegible]
المولد	دوازدهم ربیع الاول	سیزدهم ماه رجب	بیستم جمادی الآخر
مدة العمر	شصت و سه سال	شصت و سه سال	[illegible]
مدة الخلافة	النبوة بیست و سه سال		[illegible]
	محمد رسول الله	الله الملک الحق المبین	
	دوازدهم ربیع الاول	بیست و یکم ماه رمضان	
	[illegible]	ارتحل	
	المدینه [illegible]	النجف	